

تحلیل مدارهای هویت و دیگری در گفتمان اعتدال‌گرایی (مطالعه موردی: مستندهای انتخابات ریاست‌جمهوری دوره‌های یازدهم و دوازدهم)

سمیه شوکتی‌مغرب^۱

تاریخ پذیرش نهایی: شهریور ۹۸

تاریخ دریافت مقاله: مرداد ۹۸

چکیده

در جریان یک انتخابات سیاسی، ساخت قدرت و بافتار اجتماعی در اندرکنش با یک‌دیگر قرار می‌گیرند. در این عرصه، نخبگان سیاسی می‌کوشند ایدئولوژی و گفتمان خود را به گونه‌ای در ارتباط با جامعه بازنمایی کنند که بتواند فراچنگ‌آوری رأی‌های برآمده از صندوق‌ها را برای آنان تضمین نماید. مبارزات انتخاباتی به‌ویژه در زمینه مناظرات و تبلیغات، استوار بر القای مستقیم یا غیرمستقیم ایدئولوژی (و گفتمان پنهان) است. در این زمینه تلاش می‌گردد ضمن مشروعیت‌بخشی به ایدئولوژی خودی، از گفتمان رقیب اعتبارزدایی شود. این پژوهش بر آن است تا با نگاهی تطبیقی، چگونگی بازنمایی هویت در مستندهای تبلیغاتی گفتمان اعتدال‌گرایی را در دو دوره انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم و دوازدهم در خرداد ۱۳۹۲ و اردیبهشت ۱۳۹۶ واکاوی نماید. نوشتار پیش رو به‌گرد این پرسش می‌گردد که: «در جریان مبارزات انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم و دوازدهم، هویت چگونه در مستندهای انتخاباتی نامزد هژمون‌شده، مفصل‌بندی‌شده و با کاربست چه نشانگان، مولفه‌ها و فرایندهایی تولید و بازتولید و بازنمایی شده است؟» در مقام پاسخ، این مدعا می‌آید که در جریان این دو دوره انتخابات ریاست‌جمهوری، گفتمان پیروز تبلیغات خود را بر مبنای نمایش صورت‌بندی ایدئولوژیکی خاص خود مفصل‌بندی کرده است که در بافتار آن، خود و دیگری به‌گونه‌ای ویژه، در سایه دال کانونی مطرح و مرزهای گفتمان به‌گونه‌ای ایجابی و سلبی نمایان می‌شود. مبنای نظری پژوهش برپایه تعریف سه سطح طراحی شد. سطح خرد مبتنی بر سازوکارهای زبانی مانند دلالت صریح و ضمنی و پیوندهای بینامتنی است. در سطح میانی مفاهیم از راه کندوکاو زبانی حاصل و به‌منظور دستیابی به مفاهیم کلان از رهیافت گفتمانی لاکلا و موف و نورمن فرکلاف استفاده می‌شود. بر مبنای یافته‌ها گفتمان اعتدال‌گرایی در هر دو دوره انتخابات ریاست‌جمهوری با ابتنای بر رویکردی سلبی و دگرسازانه، به ترسیم مرزهای هویت خود پرداخته و با استفاده از ابزار حاشیه‌رانی، خود را به‌صورتی مثبت بازنمایی می‌کند.

واژه‌های کلیدی: تحلیل گفتمان (انتقادی)، هویت (خود و دیگری)، مستندهای تبلیغاتی انتخاباتی، انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶، حسن روحانی.

۱- دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران، (نویسنده مسئول)، پست الکترونیک: somaye.shokati@gmail.com

مقدمه

انتخابات، عرصه برخورد دو سطح سیاسی و اجتماعی در یک بستر گفتمانی است. در این آوردگاه، ساختار سیاسی و بافتار اجتماعی در اندرکنش با یکدیگر قرار گرفته و هر گفتمان می‌کوشد تا سامانه‌ای از نشانگان و معانی را ارائه دهد که به‌واسطه هم‌سویی با بستر اجتماعی، زمینه‌ساز هژمونی‌یابی آن شود. در فرایند انتخابات، گفتمانی می‌تواند بیش‌ترین آرا را به‌دست آورد که خود را هم‌راستا با ذهنیت جمعی معرفی کرده و ساختار اندیشه و ایستارهایش را مشروع جلوه دهد. در طول انتخابات سیاسی رگه‌هایی (پررنگ و یا کم‌رنگ) از سوژگی سیاسی امکان بروز می‌یابد و در تعامل و یا تقابل با ساختارها به‌دنبال ارائه فهم ویژه‌ای از ایدئولوژی (البته در اندرکنش با همان فضای ایدئولوژیک و گفتمان پنهان) برمی‌آید.

با بررسی کیفیت نمایش و نقش‌آفرینی عناصر زبانی در عرصه سیاسی، به‌ویژه در قالب برداشتی گفتمانی، وادی سیاست به گونه‌ای عام و تبلیغات انتخاباتی به‌صورتی خاص به مثابه متنی دیده می‌شود که باید به زبان آمده و در اندرکنش با بستر و زمینه‌اش مورد بازخوانی قرار بگیرد. پژوهش‌های میان‌رشته‌ای از جنس جستار حاضر، به‌واسطه رویکرد چندروشی و مبتنی بر رویکردی خرد-کلان‌نگر، می‌تواند زمینه مناسبی برای فهم روندها، فرایندها و ساختارهای زبان‌شناختی موثر در فرایند سیاست‌ورزی ایران کنونی و به‌ویژه عرصه انتخاباتی آن فراهم آورد. به‌نظر می‌رسد این پژوهش با توجه به تعریف یک چارچوب نظری سه سطحی و تحلیلی داده‌ها در سطوح مختلف زبانی می‌تواند در توسعه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای از این نوع به‌ویژه در حوزه تبلیغات انتخاباتی، کارآمد باشد.

از اهداف این پژوهش می‌توان به شناسایی کیفیت تأثیر بافت اجتماعی بر چیرگی یک گفتمان و به تبع، به حاشیه‌راندن گفتمان‌های هم‌آورد و فهم کیفیت کارکردهای زبانی و گفتمانی در تبلیغات انتخاباتی در ایران اشاره کرد. درک چگونگی اثرگذاری زبان در این‌گونه آورده‌های گفتمانی و فهم ساختار ایدئولوژیک

نهفته در پس نظام نشانگانی و سامانه مفصل‌بندی ارائه‌شده از سوی نامزد پیروز انتخابات ریاست جمهوری دو دوره یازدهم (۱۳۹۲) و دوازدهم (۱۳۹۶) مولفه دیگری است که در این جستار تبیین می‌گردد. این اثر می‌کوشد تا مرزهای خود و دیگری و عناصر ارائه‌شده در زمینه مرزیابی میان درون‌گروه مثبت و برون‌گروه منفی را یافته و مورد واکاوی قرار دهد. از این رهگذر، بستری مناسب برای درک مرزهای هویت و سازمان‌های خود و دیگری در انتخابات این دو دوره فراهم می‌آید. در جریان این کنکاش علمی در سه سطح خرد، میانی و کلان، با در پیش گرفتن رویکردی چندسطحی و چندروشی کوشش بر آن است تا تحلیلی زبان‌شناسانه و مبتنی بر تحلیل گفتمان (انتقادی) از تبلیغات انتخاباتی در انتخابات ریاست جمهوری سال‌های ۹۲ و ۹۶ ارائه گردد. تمرکز در پژوهش پیش‌رو بر مطالعه مستندهای انتخاباتی حسن روحانی است که هر کدام در هر دوره، در دو نوبت و به مدت ۳۰ دقیقه از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شد.

پیشینه پژوهش

در این بخش به معرفی آثاری پرداخته می‌شود که نگاهی متمرکز بر تلویزیون و انتخابات داشته و از این گذرگاه به واکاوی مسأله انتخابات ریاست جمهوری اقدام نموده‌اند. نگارندگان با بررسی پژوهش‌های موجود در زمینه ارتباط میان سه حوزه زبان (در معنای اخص گفتمان)، رسانه و سیاست، تمرکز خود را بر بررسی آثاری گذاشتند که با محوریت زبان، سیاست و رسانه نوشته شده‌اند.

امیر رضائی‌پناه و سمیه شوکتی مقرب

(۱۳۹۳ الف) با کاربست چارچوب نظری مبتنی بر خوانش گفتمانی و نشانه‌شناختی لاکلا و موف که با دقایقی از نظریه‌ی تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف تقویت شده، به بررسی تبلیغات رسانه‌ای نامزد پیروز انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲، در چارچوب گفتمان اعتدال‌گرایی (تدبیر و امید) می‌پردازند. آن‌ها دریافتند که گفتمان اعتدال‌گرایی با ساخت هویتی و

مورد نظر بوده است که کسانی هم‌چون فرکلاف به دو رده هم‌پوشان و مکمل تحلیل زبان‌شناسانه (سطح خرد) و بینامتنی (سطح کلان) اعتقاد دارد، که در این پژوهش با توجه به کیفیت و استلزامات موضوع و فرضیه جستار، هر دوی این سطوح در سطح خرد (سازوکارهای زبانی) تعریف شده است. در رده کلان نیز بر پایه خوانش گفتمانی لاکلا و موف که با ره‌یافت فرکلاف غنی‌سازی شده، ایدئولوژی، سامانه نشانه‌شناختی و مفصل‌بندی، خودی و دگرسازی‌ها، زنجیره هم‌ارزی و منطق تفاوت و... مورد توجه است. با کاربست این خوانش ترکیبی از تحلیل گفتمان (انتقادی) می‌توان زبان را به گونه‌ای گویا و پویا در بافتار سیاسی-اجتماعی، به‌ویژه نموده‌های ایدئولوژیک آن (در این پژوهش در قالب تبلیغات انتخاباتی) مورد بررسی قرارداد.

سطح سازوکارهای زبانی

ارکان زبان‌شناختی به کار رفته در تحلیل سطح سازوکارهای زبانی عبارتند از:

- **دلالت صریح و دلالت ضمنی:** به گفته سجودی (۱۳۹۳: ۸۹) در نشانه‌شناسی، معنای صریح و معنای ضمنی در حقیقت مفاهیمی هستند که با روابط دال و مدلول سروکار دارند و در آن دو نوع مدلول از هم متمایز می‌شوند: مدلول صریح و مدلول ضمنی. بارت (۱۹۷۷: ۸۹-۹۰) در زمینه دلالت دو دسته‌بندی دارد؛ یکی معنای بیانی که شامل واژه‌های انتخاب‌شده و به کار رفته است و دیگری محتوا که معنای تحت‌اللفظی جمله است.

- **حضور و غیاب:** بنجامین (۲۰۰۹: ۵۲) می‌نویسد: «ژاک دریدا در تئوری حضور و غیاب به واکاوی این مسأله می‌پردازد که اصل تعلیق معنایی با حضور و غیاب پیوند دارد چرا که معنا (مدلول و مصداق) از دال (واژه/ زبان) غایب است. کلمه یا دال به خودی خود «حضور» است. حضور/ غیاب دریدا به شکاف میان متن‌ها و مصداق‌ها اشاره دارد.»

دگرسازی و خصومت‌سازی مناسب توانست راه خود را به‌سوی انطباق ساختار نشانه‌شناسانه‌اش با گفتمان سبک زندگی شهروندان ایرانی همراه کند.

حسن بشیر و سیدحمید طاهری (۱۳۹۴) با بررسی فیلم‌های تبلیغاتی کاندیداهای دوره دهم ریاست جمهوری در پی دست‌یافتن به مهم‌ترین محورهای گفتمانی این فیلم‌ها و یافتن دال‌های کانونی آن‌ها بوده‌اند. **مایکل پارکین**^۳ (۲۰۱۴) به بررسی استراتژی توسعه برنامه‌های تلویزیونی و ارزیابی تأثیر آن‌ها بر مبارزات انتخاباتی می‌پردازد. بخش‌های گوناگون این کتاب داده‌های گوناگونی را دربردارد که از جنبه‌های گوناگون مخاطبان، محتوا، واکنش بیننده و پوشش خبری برای واکاوی چگونگی استقبال نامزدهای انتخاباتی از این استراتژی استفاده می‌نمایند.

دانیل برومبرگ و فریده فرهی (۲۰۱۶) نیز به بررسی پویایی‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ایدئولوژیکی در ایران معاصر پرداخته و سیاست، قدرت و چشم‌اندازهای انتخاباتی برای اصلاحات را مورد بررسی قرار داده‌اند.

پس از واکاوی آثار متمرکز بر تلویزیون و انتخابات، که تعداد معدودی از آن‌ها در این بخش برشمرده شد، این نتیجه به دست آمد که موضوع ایدئولوژی یا گفتمان پنهان، اگرچه در بسیاری از آثار مورد توجه بوده، اما نخست با توجه به مطالعه تطبیقی این پژوهش یعنی انتخابات یازدهم و دوازدهم ریاست جمهوری و همین‌طور به‌واسطه زاویه‌دید زبان‌شناختی، این نوشتار را باید دارای رویکردی نو نسبت به پژوهش‌های پیشین دانست.

روشی پژوهش

این جستار، با توجه به ماهیت چندبعدی و میان‌رشته‌ای خود، بر آن بوده تا از روشی چندوجهی، چندسطحی و ترکیبی بهره بگیرد. در سطح نخست، ابتدا بر ابزارهای تحلیل متن در چارچوب مفاهیمی هم‌چون حضور و غیاب، پیوندهای درون‌متنی، دلالت صریح و ضمنی و پیوند بیناگفتمانی و... در دستور کار است. البته این نکته

– **بینامتنیت:** به بیان فرکلاف (۲۰۰۶: ۱۰۲-۱۰۴) مفهوم بینامتنیت به تولیدی بودن متن‌ها اشاره دارد و بیان‌گر آن است که متن‌ها چگونه می‌توانند متن‌های پیشین را دگرگون و ژانرها و گفتمان‌های موجود را برای ایجاد ژانرها و گفتمان‌های نو بازسازی کنند.

سطح تحلیل گفتمان (انتقادی)

تحلیل گفتمان انتقادی، پژوهش تحلیلی گفتمان است؛ پژوهشی که پیش از هر چیزی چگونگی سوءاستفاده از قدرت اجتماعی، و نابرابری و تبعیض در بستر اجتماعی و سیاسی را مطالعه می‌کند. این رویداد در متن و گفت‌وگو وضع و بازتولید شده، مشروعیت یافته و مورد مقاومت قرار می‌گیرد. اصحاب تحلیل گفتمان انتقادی، با چنین پژوهش *دگراندیشانه‌ای*، موقعیتی صریح و روشن را اتخاذ می‌کنند و به این ترتیب خواستار فهم، آشکارسازی و سرانجام به‌چالش کشیدن نابرابری اجتماعی می‌شوند (فن‌دیک، ۱۳۹۷: ۶۵). یکی از نظریه‌های کارا در این خصوص، نظریه گفتمان لاکلا و موف است که ارکان آن عبارتند از:

– **گفتمان:** در اندیشه لاکلا و موف (۲۰۰۱: ۱۰۵، ۱۱۳) گفتمان، یک تمامیت ساخت‌مند شده می‌باشد که برآیند کناکش مفصل‌وار (نشانه‌ها) است. مفهوم گفتمان که برگرفته از فوکو می‌باشد، در تعریف لاکلا به عنوان کلیتی ساختاری از تفاوت‌ها تعریف شده است که هنگامی که فردی در نتیجه کناکش مفصل‌واری، توانایی پیکربندی نظام موقعیت‌های کاملاً متفاوت را به‌دست آورد، این نظام موقعیت‌های متفاوت «گفتمان» نامیده می‌شود.

– **دال و مدلول:** گفتمان از راه تمامیتی ساخت‌بندی می‌شود که در آن هر دال به عنوان یک لحظه (همانند تور ماهیگیری) از ارتباطش با دیگر دال‌ها تثبیت می‌شود. این امر با برون‌راندن دیگر معناها امکانی انجام می‌شود که دال‌ها می‌توانستند داشته باشند. بنابراین، در قالب مفهوم امکان و تصادف، گفتمان فروکاستن امکان‌هاست (Jørgensen and Phillips, 2002: 27).

– **مفصل‌بندی:** موف (۱۹۹۳) فرایند پایه‌گذاری معنا را امری سیاسی می‌داند که با کثرت‌گرایی نزاع بر سر قدرت در هم آمیخته شده است. نظریه گفتمان از قدرت سیاسی به منظور تثبیت معنای سوژه بهره می‌برد و این فرایند را به عنوان مفصل‌بندی تلقی می‌نماید. لاکلا و موف (۲۰۰۱: ۱۰۵) می‌گویند: «ما هر کنشی که میان عناصر گوناگون و پراکنده ارتباط برقرار می‌نماید؛ آن‌گونه که هویت آن‌ها در کناکش مفصل‌وارشان تعریف شود، مفصل‌بندی می‌نامیم».

– **ازجاشدگی:** یورگنسن و فیلیپس (۲۰۰۲: ۳۰) درباره مفهوم ازجاشدگی یا بی‌قراری که از مولفه‌های اصلی نظریه گفتمان است می‌گویند که این مفهوم فرایندی است که ناظر بر دست به دست شدن هژمونی و جابه‌جایی گفتمان‌های چیره است. ازجاشدگی اصطلاحی است که به درهم‌گسیختگی ساختار به وسیله نیروهای سازه‌ای برونی اشاره دارد.

– **هویت (خود) و دیگری:** گفتمان‌ها در یک پوشش دو سویه، فرد و جامعه پیرو خود را معنا کرده، بدان هویت می‌بخشند. هویت نه پایاست و نه کاملاً سیال، بلکه ره‌آورد تنش و تناقض میان وجوب ساختار اجتماعی و امکان خودسالاری فردی است (تاجیک، ۱۳۸۴: ۷۸). از نظر لاکلا، ساخت هویت اجتماعی کنشی از قدرت بوده و این بدان دلیل است که هویت قدرت است (Laclau, 1990: 37). ایدئولوژی‌ها می‌آیند تا به ما بگویند که کیستیم و مرزهای ما با دیگران در کجاست. مسلک‌های سیاسی و اجتماعی، خویشکاری هویت‌سازی و معنابخشی را بر دوش دارند (رضائی‌پناه و شوکتی‌مقرب، ۱۳۹۳: ۱۸۵).

– **برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی:** فن‌دیک (۲۰۰۶: ۳۲-۳۳) می‌نویسد: «ما در ساختارهای گفتمانی همه سطوح می‌توانیم انتظار یافتن تاکید بر چیزهای خوب خودمان و بد دیگران و به همین صورت انکار یا سبک‌شمردن چیزهای بدمان و خوب دیگران را داشته باشیم». تئوری فن‌دیک (۱۹۹۸: ۳۳) با مفهوم «مربع ایدئولوژیک» همراه است که در بر دارنده

فروکاسته می‌شود و سپس در سطح تحلیل گفتمانی، نشانگان و دال‌های به‌دست‌آمده صورتی انضمامی و تعیین‌یافته به خود می‌گیرند.

روابط سازه‌های زبانی در مستند دوره یازدهم

حسن روحانی با کسب بیش‌ترین شمار آرا در انتخابات ریاست‌جمهوری یازدهم و دوازدهم به عنوان نامزد پیروز معرفی شد. نشانگان به‌دست‌آمده از واکاوی هریک از مستندهای تولیدشده او از راه بررسی سازوکارهای زبانی منظم شده و ارائه می‌شود. این نشانگان براساس وزن، تکرار، کانونی و یا حاشیه‌ای‌بودن، پیوندها و انفصال‌های معنایی و ... در رهیافت روحانی به‌دست آمده‌اند. تجزیه و تحلیل مستندهای تبلیغاتی روحانی در سطح سازوکارهای زبانی داده‌هایی را به همراه داشت که صورت خلاصه‌شده آن در ادامه ارائه می‌گردد.

روحانی در مستندهای دوره یازدهم با این گفته که «خیلی قشنگه سانتریفیوژ بچرخه به شرط این‌که کشور هم بچرخه. اما اگر بنا باشه سانتریفیوژ بچرخه و کل کشور بخوابه.. این رو ما نمی‌پسندیم» به صورت ضمنی بر اعتدال‌گرایی میان مسائل هسته‌ای و معیشتی دلالت می‌کند و با طرح شعار «صلی علی محمد بوی بهشتی آمد» به صورت ضمنی به گفتمان شهید بهشتی به عنوان یکی از اندیشه‌های جدی مطرح در زمینه نواندیشی دینی، نوگرایی، عمل‌گرایی و اعتدال‌گرایی مذهبی اشاره می‌شود. در این شعار تبلور اندیشه عمل‌گرایی و نواندیشی شهید بهشتی در گفتمان روحانی در قالب پیوندهای بینامتنی نمایان می‌شود. به‌واقع، از طریق رابطه جانشینی روحانی در کنار بهشتی قرار می‌گیرد و نماینده یک دوره می‌شود. روحانی با این گفته که «...آمده‌ام تا با دولت تدبیر و امید و با گفتمان نجات اقتصاد کشور. راستی و درستکاری را به مردم عرضه کنم» بر غیاب دولتی با این ارزش‌ها اشاره کرده و بیان می‌کند که قرار است دولتی بیاید که در عین برنامه‌ریزی و تدبیر، امید از دست رفته را به جامعه بازگرداند.

استراتژی‌های توأم توصیف «درون‌گروه» مثبت و «برون‌گروه» منفی است. این استراتژی دوگانه از این تضاد مضاعف اغلب در گفتمان نمود می‌یابد و با گزینش واژگانی و دیگر مشخصه‌های زبان‌شناختی صورت می‌گیرد.

- منطق تفاوت و زنجیره هم‌ارزی:

منطق هم‌ارزی، منطق ساده‌سازی سیاسی است که عناصر را تغییرپذیرتر می‌سازد و شمار موقعیت‌های سوژگی در دسترس را کاهش می‌دهد (Andersen, 2003:60). منطق هم‌ارزی فضای سیاسی-اجتماعی را با برقراری زنجیره‌ای از هم‌ارزی، ساده‌سازی می‌کند؛ این منطق عناصر یا دال‌های گفتمانی متعددی (هویت‌ها و موقعیت‌های سوژگی) را با همدیگر مفصل‌بندی می‌کند. منطق‌های تفاوت فضای سیاسی را بسط داده و پیچیده می‌سازد. این نوع از منطق از راه فروپاشی زنجیره‌های هم‌ارزی موجود و مفصل‌بندی دگرباره این عناصر در نظم‌های جدید عمل می‌کند (Zienkowski, 2017: 51-52).

- **هژمونی:** گرامشی هژمونی را به مثابه فرایندی تلقی می‌کرد که به وسیله آن پرولتاریا می‌توانست منافع یک ملت یا مردمان را بازنمایی کند (Gramsci, 1971:181-182). ژیک هژمونی را به این صورت تعریف می‌کند: مکانیسم جهانی پیوند ایدئولوژیکی است که بدنه‌های اجتماعی را به هم پیوند زده و مفهومی تحلیلی است که برای همه نظم‌های سیاسی-اجتماعی از فاشیسم تا دموکراسی لیبرال قابل پیاده‌سازی است (Žižek, 2000:128).

بررسی مستندهای انتخاباتی

سازوکارهای زبانی

تحلیل روابط سازه‌های زبانی در این بخش به خدمت نظریه گفتمان درمی‌آید تا تحلیل زبانی در سطح کلان را ممکن سازد. در این زمینه تحلیل زبان‌شناختی بر شناسایی نشانگان و مفاهیم مقدم می‌گردد؛ بر این اساس متن تشریح و به عناصر سازنده و مقوم آن

باشیم، تفاوتی نداریم...» بیان می‌کند که این ساختار تبعیض‌آمیز در پایین‌ترین سطوح و از حقوق اولیه آغاز می‌شود. او افزون بر به‌حاشیه‌راندن دگرگفتمانی خود، به برجسته‌سازی ویژگی‌های مثبت خویش می‌پردازد که یکی از آنها دلالت بر فن‌سالاری و آشتی با نخبگان است «مردم عزیز ایران دولت تدبیر و امید دولت صلح، سلام و آشتی خواهد بود. آشتی با نخبگان، اساتید، مدیران لایق». در این‌جا مولفه‌ای برجسته‌سازی می‌شود که عنصر غایب دگر این گفتمان است که همان نخبه‌گرایی و شایسته‌سالاری می‌باشد. این عنصر غایب در استفاده از زنان نیز برجسته‌سازی می‌شود: «ما اگر حضور زنان را در جامعه ارج نهیم و زمینه را برای حضور آن‌ها در فعالیت‌های مختلف فراهم نکنیم، معنایش آن است که از بسیاری از متخصصین و مدیران ارزشمند در جامعه محروم شده‌ایم...» این گفته به صورت ضمنی بر عدم ارج نهادن به حضور زنان در جامعه و فراهم نکردن زمینه حضور در گفتمان نواصول‌گرایی و وجود تبعیض میان مردان و زنان دلالت دارد. عکس یک خانم پلاکارد بدست با نوشته «نه چپیم نه راستیم فقط معلم هستیم» به صورت ضمنی به اعتدال‌گرایی و بودن در جایگاه میانه‌روی سیاسی دلالت دارد. این نوشته نیز بر عدم توجه به حقوق شهروندان در دگرگفتمانی روحانی دلالت داشته و از سوی دیگر در قالب استفاده از سازوکار زبانی جانشینی و هم‌نشینی؛ نه چپیم، نه راستیم جانشین نه شرقی نه غربی می‌شود. این رویکرد بینامتنی در کاربرد مجازی خود دلالت بر اعتدال‌گرایی دارد.

دال دیگری که این گفتمان در پی برجسته‌سازی آن از طریق فعال کردن غیاب آن در دگرگفتمانی است آزادی بیان می‌باشد. این گفته که «قدرت ملی زمانی خواهد بود که ما آزادی بدیم به همه مردم، آزادی بیان می‌تونه قدرت ملی برای ما بیافرینه...» قدرت را از ساختار کلان حاکم گرفته و آن را در اختیار توده‌های مردم قرار می‌دهد. این گفته افزون بر دلالت بر غیاب آزادی، با اندیشه «آزادی بیان» در گفتمان اصلاحات نیز پیوند بینامتنی برقرار می‌کند.

در ابتدای مستند روحانی «به نام خداوند خردمندان و امیدواران» به چشم می‌خورد. این گفته اشاره آغازین به گفتمان تدبیر و امید است. خداوند خدای خردمندان و امیدواران است و این گروهی است که «ما» را تشکیل می‌دهد و مرز را با دیگرانی که «نابخرد و ناامید» هستند ترسیم می‌نماید. در این گفته خردمندان و امیدواران بر تدبیر و امید دلالت دارد. روحانی در این‌جا به ادبیات کهن بازگشته و با فردوسی پیوند بینامتنی دارد تا به این صورت بر نگاه میهن‌پرستانه خود تاکید نماید. او با این گفته که «مردم عزیز ایران من با آگاهی از همه مشکلات و خطرات آمده‌ام تا تعامل سازنده با جهان، راستی و درستکاری را به مردم عرضه کنم» به صورت ضمنی بر نبود تعامل سازنده در گفتمان چپ‌ه حاکم دلالت می‌کند. در این پاره‌گفتار تعامل سازنده با جهان امری غایب می‌باشد که لزوم احیای آن احساس می‌شود. فرایند فراخوانی غیاب‌هایی که این گفتمان گام در مسیر برآمدن آن‌ها برداشته است در این گفته نیز دیده می‌شود «اگر می‌خواهید عزت و شکوه و مجد و عظمت به همه ایرانیان برگردد، اگر می‌خواهید ریال ایرانی به جای اول خود برگردد، اگر می‌خواهید گذرنامه ایرانی به احترام خود برگردد پای صندوق آرا بشتابید». غیاب عزت، شکوه و مجدی که وجود داشته و دیگر نیست، ارزی که جایگاه خود را از دست داده و باید دوباره ارزش خود را به دست آورد؛ احترامی که برای گذرنامه ایرانی بوده اما اکنون دیگر نیست برپایه این گفته در جریان رای‌دادن حضور می‌یابد.

روحانی در جای دیگری می‌گوید «همه مردم ایران باید احساس عدالت کنند. عدالت یعنی فرصت برابر...» این گفته نیز بر غیاب عدالت و عدم توزیع برابر فرصت‌ها دلالت دارد. این گفته به ساختار تبعیض‌آمیز موجود در چارچوب گفتمان نو-اصول‌گرایی حاکم اشاره داشته و نابرابری برآمده از آن را مورد نقد قرار می‌دهد. او با این گفته که «مردم می‌پرسن که آیا ما از حقوق شهروندی برخوردار نیستیم؟ مردم میگن همه ما ایرانی هستیم، همه شهروندیم، باید در حقوق شهروندی همه مساوی

زمانی که کشور را تحویل گرفتید کشور در حال سقوط بود و پیگیری‌های حضرت‌عالی کشور را از سقوط حتمی نجات داد؛» این گفته بر خود مثبتی دلالت دارد که با دگر اصلی خود یعنی گفتمان نواصول‌گرا دگرسازی آشکاری دارد. نقد دیگری که در این مستند عرضه می‌شود در قالب بیان دانشجویی مطرح می‌شود که می‌گوید «قرار بود صدروزه مشکلات را حل کنید؛ قرار بود گشایش اقتصادی ایجاد شود؛ قرار بود در نخستین گام بیکاری کاهش پیدا کند». این نقد بر غیاب حل مشکلات، گشایش‌های اقتصادی و غیاب راهکاری جهت کاهش بیکاری دلالت صریحی دارد. غیاب آگاهی رئیس‌جمهور از آسیب‌های اجتماعی، اعتیاد گسترده نوجوانان و جوانان و طلاق‌های گسترده امر دیگری است که به صورت صریحی از سوی منتقدان برجسته‌سازی می‌شود و مصداقی برای دال آزادی بیان است. «دوستان ما بفرمایند چرا ما به برجام رسیدیم؟ کسی باید نقد شود که تحریم‌ها را کاغذپاره دانست» این گفته به صورت ضمنی با این گفته احمدی‌نژاد، پیوند بینامتنی برقرار می‌کند که «شما فکر می‌کنید که اگر جمع شوید و کاغذپاره صادر کنید، می‌توانید جلوی ملت ایران را بگیرید».

این مستند به صورت پیوسته خود مثبت، خود منفی (از نگاه منتقدان) و دگر منفی را بازنمایی می‌کند. دگر رقیب این گفتمان در دوره یازدهم انتخابات (یعنی قالیباف) به صورت پیوسته منفی‌سازی می‌شود؛ به عبارتی، با کاربست ابزار بینامتنیت ذهن مخاطب به سمت رویدادهایی حرکت می‌کند که این گفتمان عهده‌دار آن‌ها تلقی شده است «چگونه است که حمله عده‌ای نابخرد به سفارت یک کشور خارجی که نظام را ماه‌ها و بلکه سال‌ها با بحران جهانی مواجه می‌کند اقدام علیه امنیت ملی محسوب نشده و با متهمان آن با رفت اسلامی برخورد می‌شود؟» این پرسش ابهام در آن چه که مصداق اقدام علیه امنیت ملی به‌شمار می‌رود و رفتارهای متفاوت برخی گروه‌ها را به صورت ضمنی مطرح می‌کند. «می‌گویند رفع حصر در اختیار رئیس‌جمهور است» این گفته نیز بر غیاب عمل به وعده‌های

در این مستند گفت‌وگویی از اسحاق جهانگیری پخش می‌شود که بیان می‌کند «با حضور آقای روحانی در ریاست‌جمهوری حتماً شعور بر شعار، حتماً اعتدال و میانه‌روی بر افراط و تندروی، حتماً عقلانیت دینی بر قشری‌گری دینی ترجیح داده خواهد شد». این گفته بر حضور شعار، افراط و تندروی و قشری‌گری دینی و غیاب شعور، اعتدال و میانه‌روی و عقلانیت دینی در دگر گفتمانی دلالت دارد. قانون‌گرایی دال دیگری است که می‌توان در گفتمان اعتدال‌گرایی شناسایی کرد «باید در حقوق شهروندی همه مساوی باشیم، تفاوتی نداریم، این حزب اون حزب، این فکر اون فکر، با قانون اساسی ما، با چارچوب و معیارهای انسانی ما سازگار نیست» این گفته روحانی افزون بر تاکید دگرباره بر غیاب تساوی حقوق و حضور نگاه‌های تحزب‌گرایانه در دگر گفتمانی‌اش، به قانون اساسی و معیارهای انسانی نگاهی انداخته و آن‌چه در دگر گفتمانی رخ داده را عاری از این اصول می‌داند. این امر بر قانون‌گرایی و تاکید بر عنصر اخلاق دلالت دارد.

این مستند با پخش تصاویری از اقصا و مشاغل مختلف جامعه در موقعیت‌های اجتماعی گوناگون و به نمایش گذاشتن افراد در پوشش‌های مختلف به صورت ضمنی بر نداشتن دسته‌بندی طبقاتی و نمایش روحیه مردم‌گرایی و فراطبقاتی، فراجنحی و ملی بودن روحانی دلالت دارد.

روابط سازه‌های زبانی در مستند دوره دوازدهم

مستند دوره دوازدهم با نظرگاه‌های موافقان و مخالفان این گفتمان آغاز می‌گردد. این امر بر دال آزادی بیان دلالت دارد که از جمله مصداق آن دانشجویی است که می‌پرسد «صاحبان فیش‌های نجومی چه تفاوتی با دیگر مردم دارند». این گفته به صورت ضمنی گفتمان رقیبی را هدف می‌گیرد تا به برجسته‌سازی منفی دگر خود بپردازد. دانشجوی دیگری در جایگاه نقد می‌گوید «رکود و بیکاری کمر مردم را شکسته» تا به غیاب این امر در دوران این گفتمان دلالت داشته باشد. در تقابل با این نقد دانشجوی دیگری می‌گوید «هیچ می‌دانید

روحانی بر رفع حصر دلالت دارد در این زمینه نگرش موافقان و مخالفان همزمان برجسته‌سازی می‌شود؛ به بیانی دیگر، در کنار نقد افراد بر عدم رفع حصر، مخالفان این امر نیز شعار «مرگ بر فتنه‌گر» سر می‌دهند. روحانی با این رویکرد، افراد را از دو سوی طیف اصلاح‌طلب و اصول‌گرا سوی خود جذب کرده، تاکید می‌کند که آماده شنیدن نقد است و بر قرارگرفتن در مسیر اعتدال پافشاری می‌کند؛ چنین رویکردی مصداقی برای دال اعتدال‌گرایی است.

مستند دوم کاندیداتوری روحانی در دوره دوازدهم انتخابات ریاست جمهوری با تصویری از روحانی آغاز می‌گردد که نام خود را نوشته و امضا می‌کند؛ امضا کردن پیش از هر چیزی بر هویت و حضور فرد دلالت دارد. تصدیق و تأیید هرآنچه گفته یا نوشته می‌شود به این طریق انجام می‌شود و فرد را متعهد به انجام امر می‌کند. بنابراین روحانی با این امضا بر عمل به هرآنچه می‌گوید دلالت ضمنی می‌کند. نخستین اقدام روحانی در این مستند مصداق دال قانون‌گرایی است. گام بعدی در این مستند پیوند بینامتنی با دوران جنگ تحمیلی و دلالت ضمنی بر ادامه‌داربودن جنگ است. این امر با صحنه‌هایی از فیلم «به نام پدر» نمایان می‌شود؛ دیالوگ دختری که در اثر انفجار مین برجای مانده از دوران جنگ زخمی می‌شود و و پدری که می‌گوید «جنگ خیلی وقته تموم شده، دیگه جنگی در کار نیست؛ دختر: هنوز هست» و نوشته «تقدیم به مدافعان مرزهای عزت» صحنه‌های آغازگر این مستند است که ادامه‌داربودن آثار جنگ و تغییر چهره دشمن و مدافعانی که این بار بیرون از مرزهای ملی از وطن دفاع می‌کنند دلالت‌هایی ضمنی از این سکانس است. صدایی که از رهبر همزمان با صدای انفجار پخش می‌شود، می‌گوید «جنگ واقعی یک چیز دیگر است، جنگ واقعی جنگ اقتصادی است. جنگ واقعی تحریم است». این گفته به صورت ضمنی موید چهره دیگر جنگ است و بر این دلالت دارد که آثار برجای مانده از تحریم هم‌تای آثار برجای مانده از جنگ تحمیلی است.

دال ولایت‌مداری روحانی با اشاراتی مصداق می‌یابد که این مستند به مقام رهبری دارد. مصداق دال اقتصاد را می‌توان در مواردی یافت که به تحریم و برجام اشاره دارند. بیژن زنگنه در این مستند می‌گوید «تحریم نعمت است برای کسانی که می‌خواهند بخورند نه برای ملت ایران»، دگرسازی ضمنی با افرادی دارد که چنین باوری دارند. در این مستند نیز دگرسازی آشکار با گفتمان نواصول‌گرایی احمدی‌نژاد دیده می‌شود، از سال ۸۴ هنگامی که احمدی‌نژاد بر سر قدرت می‌آید تا هنگامی که قطعنامه‌ها و اجماع جهانی علیه ایران آغاز می‌گردد، نمایش داده می‌شود. اعلام موضع احمدی‌نژاد در ارتباط با اعمال تحریم‌های بین‌المللی به نمایش گذاشته می‌شود که می‌گوید «تحریم‌های فلج‌کننده هی نشستند نوشتند، یک صفحه، دو صفحه، ده صفحه، پنجاه صفحه، ای وای خطر است، خطر است، بحران است، بیایید چرا ماجراجویی می‌کنید؟» این گفته احمدی‌نژاد با پاسخی از ظریف برجسته‌سازی منفی می‌شود که می‌گوید «هزینه اعلام موضع رو کسی که اعلام می‌کنه نمی‌ده، هزینه رو مردم میدن». در این برداشت، احمدی‌نژاد به عنوان اگونیستی بازنمایی می‌شود که در برابر مردم قرار می‌گیرد و با اعلام موضع خود، موجب می‌شود که ملت بهای سنگین بپردازند. از سوی دیگر، گفتمان اعتدال‌گرایی با چنین بیانی در مقام انتاگونیستی است که در برابر این اگونیست قرار گرفته و در نقش حامی ملت عمل می‌کند. این نقش هم‌راستای همان مفاهیمی است که روحانی در مقام یک حقوقدان مدعای آن را دارد. این که دولت نواصول‌گرا تنها یک سال تجربه تحریم‌های واقعی را داشت و اصل تحریم‌ها بلایی بود که برسر این دولت آمد و این دولت آن‌ها را تحمل می‌کند، گفته دیگری است که باز هم از راه ترسیم مرزهای خود و دیگری، به برجسته‌سازی مثبت خود می‌پردازد. زنجیره هم‌ارزی این گفتمان در این دوره نیز هاشمی رفسنجانی را دربرمی‌گیرد؛ تسلسل تصاویر از امیرکبیر، مصدق، دکتر شریعتی، آیت‌الله طالقانی، شهید بهشتی، آیت‌الله

روحانی بر رفع حصر دلالت دارد در این زمینه نگرش موافقان و مخالفان همزمان برجسته‌سازی می‌شود؛ به بیانی دیگر، در کنار نقد افراد بر عدم رفع حصر، مخالفان این امر نیز شعار «مرگ بر فتنه‌گر» سر می‌دهند. روحانی با این رویکرد، افراد را از دو سوی طیف اصلاح‌طلب و اصول‌گرا سوی خود جذب کرده، تاکید می‌کند که آماده شنیدن نقد است و بر قرارگرفتن در مسیر اعتدال پافشاری می‌کند؛ چنین رویکردی مصداقی برای دال اعتدال‌گرایی است.

مستند دوم کاندیداتوری روحانی در دوره دوازدهم انتخابات ریاست جمهوری با تصویری از روحانی آغاز می‌گردد که نام خود را نوشته و امضا می‌کند؛ امضا کردن پیش از هر چیزی بر هویت و حضور فرد دلالت دارد. تصدیق و تأیید هرآنچه گفته یا نوشته می‌شود به این طریق انجام می‌شود و فرد را متعهد به انجام امر می‌کند. بنابراین روحانی با این امضا بر عمل به هرآنچه می‌گوید دلالت ضمنی می‌کند. نخستین اقدام روحانی در این مستند مصداق دال قانون‌گرایی است. گام بعدی در این مستند پیوند بینامتنی با دوران جنگ تحمیلی و دلالت ضمنی بر ادامه‌داربودن جنگ است. این امر با صحنه‌هایی از فیلم «به نام پدر» نمایان می‌شود؛ دیالوگ دختری که در اثر انفجار مین برجای مانده از دوران جنگ زخمی می‌شود و و پدری که می‌گوید «جنگ خیلی وقته تموم شده، دیگه جنگی در کار نیست؛ دختر: هنوز هست» و نوشته «تقدیم به مدافعان مرزهای عزت» صحنه‌های آغازگر این مستند است که ادامه‌داربودن آثار جنگ و تغییر چهره دشمن و مدافعانی که این بار بیرون از مرزهای ملی از وطن دفاع می‌کنند دلالت‌هایی ضمنی از این سکانس است. صدایی که از رهبر همزمان با صدای انفجار پخش می‌شود، می‌گوید «جنگ واقعی یک چیز دیگر است، جنگ واقعی جنگ اقتصادی است. جنگ واقعی تحریم است». این گفته به صورت ضمنی موید چهره دیگر جنگ است و بر این دلالت دارد که آثار برجای مانده از تحریم هم‌تای آثار برجای مانده از جنگ تحمیلی است.

هاشمی رفسنجانی تا روحانی بر زنجیره‌ای هم‌ارزی دلالت دارد که اندیشه این گفتمان را در راستای اندیشه این افراد قرار دهد. روحانی می‌گوید «آیت‌الله هاشمی من را تشویق کردند تا در این مسیر استوار بمانم». او همچنین بیان می‌کند «شرایط کشور به گونه‌ای است که عده‌ای می‌خواهند صحنه را برای برخی رقابت‌ها آسان کنند». دگرسازی ضمنی با دگرهایی که به دنبال دست گرفتن قدرت هستند، در قالب طرحواره نیرویی مفهوم‌سازی می‌شود که اکنون به دنبال اعمال نیرو می‌باشد و آنتاگونیست در برابر این نیرو مقاومت کرده، آن را مسدود می‌سازد.

روحانی با لحن نقادانه‌ای می‌گوید «به عده‌ای می‌گفتند ما دور می‌زنیم، تحریم که مهم نیست، از جیب کی مهم نیست؟ از جیب خودتون هرچی می‌خواید برید دنبال تحریم، از جیب مردم مهم نیست؟» این گفته روحانی، نقش او در جایگاه حمایت‌گر را مورد تأکید قرار می‌دهد و دگرهایی را به صورت منفی به حاشیه می‌راند که به صورت ضمنی مردم را هدف تحریم‌ها قرار داده‌اند تا به اهداف خود دست یابند. روحانی بارها از واژه مردم استفاده می‌کند تا بر نقش خود به عنوان وکیل ملت ایران تأکید نماید. در این مستند به برجام اشاره می‌شود، سختی کار و ناممکن نبودن تحقق آن بخش دیگری را به خود اختصاص می‌دهد تا این دستاورد را به عنوان عنصری برای برجسته‌سازی مثبت خود نمایان کند. افزون بر این، منطق و استدلال مفاهیمی است که روحانی به عنوان مشخصه مردم ایران نام می‌برد؛ ملتی که می‌تواند بزرگ‌ترین معضل تاریخی خود به لحاظ سیاسی را به وسیله آن حل کند. بیان مسائل با زبانی منطقی و بر کرسی نشانیدن حقوق ملت مصداق‌هایی است که به کار می‌رود تا بر بیان مستدل و دفاع از حقوق با زبان منطق دلالت کند.

این مستند میان پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت توسط ایران و نقش روحانی و هاشمی رفسنجانی در پایان دادن به جنگ و همین‌طور مساله برجام و دستیابی به این توافق، پیوند بینامتنی برقرار می‌کند. آنچه در دوران جنگ رخ داده نشان داده می‌شود تا نقش

بازدارندگی برجام از رویداد جنگی دیگر برجسته شود. به کرات به نقش هاشمی رفسنجانی در خدمت به ایران اشاره می‌شود و از زبان ناطق نوری و زیباکلام این خدمات بازگو می‌گردد. آنچه هاشمی رفسنجانی در پایان دادن به جنگ ایران انجام داده است با کنشی همسان‌سازی می‌شود که روحانی در فرایند توافق با گروه ۱+۵ داشته است؛ این پیوند بینامتنی به صورت ضمنی بر این دلالت دارد که هر دو کنش در جهت پایان بخشیدن به جنگ است. کارآمدی‌های برجام با این گفته زنگنه به برجسته‌سازی مثبت خود می‌انجامد که می‌گوید: «هیچ کشوری نیست، که رفته باشه شورای امنیت و یا رژیم و نظامش ساقط نشده باشه یا کشورش تجزیه نشده باشه». چنین گفته‌ای توان مذاکراتی تیم مذاکره‌کننده‌ای را نشان می‌دهد که نه تنها توانسته است بر خواسته‌های خود پافشاری کند، بلکه تهدید را از پیش روی ایران برداشته است.

دال مصلحت‌اندیشی در این گفته زیباکلام دیده می‌شود که می‌گوید «آقای روحانی این کارو نکرد که منافع ملی کشور گوشت قربانی مصالح سیاسی ایدئولوژیک بهره‌برداری تندرورها شود»؛ این گفته دگرسازی آشکار با جناح تندرویی را نشان می‌دهد که هدف او قربانی کردن مصالح کشور است. این مساله که منافع فردی بر منافع ملی ترجیح داده می‌شود، به صورت ضمنی مورد بازنمایی قرار می‌گیرد. روایت‌های رفت و برگشتی به دوران جنگ، به دوران گفتمان نواصول‌گرا و به خدماتی که دولت نخست روحانی داشته است، استراتژی تأکیدی است که خدمات متنوع از سیاست و اقتصاد گرفته تا درمان و مسائل اجتماعی و تغییر جهت آن‌ها از دوران گفتمان پیشین تا این گفتمان را از زاویه دید خاص خود پیش رو قرار می‌دهد. روحانی به سوی تمام اقشار جامعه پیش می‌رود تا همه را در فرایند جذب، به عنوان گروه خودی، مجذوب خود سازد و آن‌ها را در زنجیره هم‌ارزی خود قرار دهد؛ «هر یک روستا و هر یک روستایی ان‌شالله یک رسانه برای دولت مظلوم یازدهم»، «در سال ۹۲ حماسه از روستاها شروع شد». او از دولت یازدهم به عنوان دولت مظلوم

گفتمان روحانی، اعتدال‌گرایی با گستره توزیع، کاربرد و پیوندی که با دیگر دال‌ها دارد به عنوان دال کانونی شناخته شد. در این گفتمان تدبیر و امید، هم‌گرایی با جهان، تعامل سازنده با جهان، رونق کسب و کار، احیای اخلاق، عدالت، شایسته‌سالاری، نخبه‌گرایی، آزادی، احیای خانواده و حقوق زنان، حقوق شهروندی، ولایت‌مداری، رونق کسب و کار، نفی رادیکالیسم، قانون‌گرایی، نگاه فراطبقاتی و فراجناحی و... گرد دال کانونی اعتدال‌گرایی و در پیوند مستقیم با آن قرار گرفته، لحظه‌های آن را تشکیل می‌دهند. این سامانه نشانگانی با تولید و بازتولید دال‌ها و لحظه‌های خود هم گفتمان چیره را مورد مصادره گفتمانی قرار می‌دهد و هم گفتمان‌های هم‌آورد را به حاشیه می‌راند. گفتمان روحانی دارای دو رویه سلبی و ایجابی است؛ رویه سلبی این گفتمان بیش از هر چیز ناظر و معطوف به حوزه گفتمان‌گونگی گفتمان نواصول‌گرا در سال‌های ۸۴ تا ۹۲ است. در حوزه ایجابی نیز آن گفتمان در سایه ارائه خوانش ویژه خود بر اساس نشانگان مطرح‌شده در پی آن است تا خوشه نشانگانی را متناسب با ذائقه رأی‌دهندگان ایرانی صورت‌بندی نماید.

دال تدبیر و امید در پیوند مستقیم با دال کانونی میان‌روی و اعتدال‌گرایی، به دیگر دال‌های این سامانه از جمله رونق کسب و کار، احیای حقوق خانواده و حقوق شهروندی، قانون‌گرایی و... معنا می‌دهد. این رویکرد در چارچوب نگاه فراطبقاتی و فراجناحی روحانی است. تمرکز در گفتمان چیره بر اقشار و طبقات پایین و مستضعف جامعه است. در گفتمان روحانی روابط با جهان نمود هم‌گرایانه‌ای دارد، بر مبنای تعامل سازنده شکل می‌گیرد و بهبود این روابط یکی از اهداف آن است. (شکل ۱)

منطق تفاوت و زنجیره هم‌ارزی

زنجیره هم‌ارزی در گفتمان اعتدال‌گرایی طبقات و لایه‌های گوناگون جامعه را دربرمی‌گیرد که دایره شمولی از گروه‌های نخبه بروکراتیک، نخبگان اجتماعی، طبقه متوسط شهری تا طبقات و لایه‌های پایین اجتماعی و روستایی را دربرمی‌گیرد. گفتمان روحانی

یاد می‌کند تا بر حجم هجوم دگرها به سوی این گفتمان تاکید نماید.

دگرسازی، برجسته‌سازی دگر منفی و به حاشیه‌راندن او، و برجسته‌سازی مثبت خود در قالب برنامه‌های اقتصادی و سیاسی دولت از جمله برنامه نفت و برجام مراحلی است که این مستند به‌صورت پیوسته دنبال می‌کند؛ فرایندی که از نشان‌دادن دگرها آغاز می‌شود و به بازنمایی‌های مثبت خود می‌رسد. به هر روی، آن‌گونه که در مستند دوره یازدهم نیز به چشم می‌خورد، روحانی به رغم این ادعا که کاندیدای مستقل انتخابات ۱۳۹۲ است اما تحلیل سازوکارهای زبانی او و شیوه بازنمایی ایدئولوژی این گفتمان بیان‌گر صورت‌بندی گفتمانی ترکیبی است. این امر در دوره دوازدهم نیز نمایان است که شرح آن در ادامه ارائه خواهد شد.

سطح گفتمانی

در این بخش داده‌های برآمده از سطح پیشین، در چارچوب روش نشانه‌شناسی و تحلیل گفتمان، خوانش ارنستو لاگلا و شنتال موف، تبیین و تحلیل می‌شود. در حقیقت در این بخش، مواد خامی که از مرحله قبل به‌دست‌آمده در درون نظام روش‌شناسانه تحلیل گفتمان، کاربردی و عملیاتی می‌شود. در سطح تحلیل گفتمانی، مطالب در چند بخش می‌آیند: در قسمت نخست سامانه نشانگانی و سامانه مفصل‌بندی این گفتمان مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ در بخش دوم منطق تفاوت و زنجیره هم‌ارزی واکاوی می‌شود؛ در بخش بعد برجسته‌سازی‌ها و حاشیه‌رانی‌های این گفتمان‌ها در روشی تطبیقی واری می‌گردند و در واپسین بخش نیز کیفیت طراحی مرزهای هویتی و خطوط ممیز هویت و دیگری در این گفتمان تشریح می‌شود.

سامانه نشانگانی

بر مبنای داده‌کاوی‌های صورت‌گرفته در سطح سازوکارهای زبانی و گستره توزیع مفاهیم، ضمنی بودن مفاهیم کانونی، تکرار صریح و ضمنی این مفاهیم در طول مستندهای مورد بررسی، دال‌های کانونی، لحظه‌ها و عناصر هریک از گفتمان‌ها شناسایی شد. در

رقیب، و برجسته‌سازی نقاط قوت خود و کاستی‌های رقیب از آن‌ها است. بر این اساس، اعتدال‌گرایی نشانه‌ای است که گفتمان اعتدال‌گرایی به‌واسطه آن به برجسته‌سازی مثبت خود و حاشیه‌رانی منفی دیگری می‌پردازد. در این گفتمان تاکید بر پیشینه فعالیت‌ها با برجسته‌سازی ویژگی‌های مثبت روحانی همراه است. با این برجسته‌سازی بیان می‌شود که قرار است دولتی بیاید که در سایه اعتدال‌گرایی، برنامه‌ریزی و تدبیر، امید از دست رفته را به جامعه بازگرداند. دال «تدبیر و امید» سوءمدیریت را در گفتمان نواصول‌گرا برجسته می‌کند و رفتارهای مدیریتی روحانی را از سوی دیگر با تاکید بر توان مدیریتی او به‌ویژه در حوزه نظامی و راهبردی و پیش‌برد برنامه‌های مربوط به دوران دفاع مقدس و دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی برجسته می‌کند.

گفتمان اعتدال‌گرایی با تاکید بر پیشینه فعالیت‌های خود و بازنمایی کاستی‌ها و سوءمدیریت‌های گفتمان نواصول‌گرا، برجسته‌سازی می‌شود. این گفتمان با رویکرد سلبی خود نسبت به دگر گفتمانی خود همواره با نگاهی به ناکارآمدی‌های آن گفتمان، برنامه‌های خود را بیان می‌کند تا با برجسته‌سازی منفی دگر گفتمانی‌اش، به برجسته‌سازی مثبت خود دست بزند. روحانی با بیان این‌که «من سرهنگ نیستم» گفتمان هم‌آورد قالیباف را برجسته‌سازی منفی می‌کند و با قرارگرفتن در کنار گفتمان‌های هم‌سویی مانند اصلاحات و سازندگی گفتمان خود را بر مبنای هویتی برجسته می‌سازد که در این زمینه تعریف می‌کند.

هویت و دیگری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که دگرسازی و خصومت‌سازی اصلی در گفتمان روحانی چه در دوره اول ریاست جمهوری و چه در دوره دوم، با نیروهای رادیکال و گفتمان نواصول‌گرایی است. هویت و مرزهای دگرسازانه گفتمان روحانی بیش از هر چیز بر پایه دوگانه اعتدال‌گرایی-افراط‌گرایی تعریف می‌شود و در قالب دلالتی صریح تندروها را هدف قرار می‌دهد. اعتدال‌گرایی روحانی با خوانش ویژه از اصول‌گرایی،

با رویکردی ترکیبی و بینامتنی خود را به اندیشه‌های میانه‌رو و اصلاح‌طلبانه سیدمحمد خاتمی، عمل‌گرای هاشمی رفسنجانی، نوگرا و اعتدال‌گرای مذهبی شهید مطهری و شهید بهشتی، روشنفکری دینی علی شریعتی و... منتسب می‌کند. روحانی آشکارا بیان می‌کند که با مشورت و راهنمایی سیدمحمد خاتمی و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی پا به عرصه انتخابات گذاشته است. او با اندیشه‌های نوگرا و نواندیش مذهبی شهید بهشتی، شهید مطهری، آیت‌الله طالقانی و علی شریعتی پیوند بینامتنی برقرار و خود را به عنوان یکی از همراهان دیرین امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای معرفی می‌کند. او عناصری از هر کدام از این گفتمان‌ها را در حوزه سیاست‌های داخلی و خارجی گفتمان خود مطرح می‌کند. این پیوند بینامتنی و بیناگفتمانی مبنای اندیشه اعتدال‌گرایانه روحانی را تشکیل می‌دهد. این زنجیره تشکیل می‌شود تا دال‌های کانونی گفتمان روحانی را با گفتمان‌های هم‌سو درآمیخته و در برابر دگرهای این گفتمان قرار گیرد. برجسته‌ترین و مهم‌ترین گفتمانی که روحانی در پی متزلزل کردن حوزه گفتمان‌گونگی آن است، گفتمان نواصول‌گرایی است که ناهم‌سانی با آن صورت برجسته‌تری به خود می‌گیرد. رویکرد روحانی بیش از این‌که ایجابی باشد، سلبی است. منطلق تفاوت گفتمان اعتدال‌گرایی بر تضاد با گفتمان نواصول‌گرایی تاکید دارد. نگاه به اخلاق و اهمیت احیای آن، اقتصاد، سیاست و فرهنگی که در دوران نابسامانی به سر می‌برند، روابطی که در حوزه سیاست خارجی باید صورت تعاملی به خود گرفته، بهبود پیدا کنند، اعتدالی که باید در زمینه پرداختن به مسائل سلامت، فناوری و معیشتی برقرار شود و... همگی بر عناصر فراموش‌شده و انباشت‌شده در حوزه گفتمان‌گونگی گفتمان چیره تاکید دارند و نظام معنایی گفتمان اعتدال‌گرایی را مفصل‌بندی می‌کنند. (شکل ۲)

برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی

با توجه به مطالب پیش‌گفته درباره برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی، این دو سازوکار در کنش و واکنش میان گفتمان‌ها موثر است. برجسته‌سازی نشانه‌های مورد نظر خود و حاشیه‌رانی نظام معانی و نشانه‌های گفتمان

نشانگانی خود را مفصل‌بندی می‌کند. بر این اساس، رابطه انتساب دال، مدلول و مصداق گفتمان پیشین نواصول‌گرایی تغییر یافته و بر مبنای دال کانونی اعتدال‌گرایی بازتولید می‌شود. به واقع، این گفتمان روابط دال و مدلولی که بر مبنای رویکردهای نواصول‌گرایی تعریف شده بود را سست کرده، با مصادره گفتمانی و براساس دال‌هایی همچون اعتدال‌گرایی، تدبیر و امید، رونق کسب و کار، تعامل سازنده با جهان، احیای اخلاق و... دال‌های آن سامانه‌ی نشانگانی را بازتعریف و دال‌های جدیدی را تولید می‌کند.

افزون بر این، اعتدال‌گرایی روحانی در دوره نخست انتخابات ریاست جمهوری، با تاکید بر لحظه‌هایی از جمله حقوق، حقوق‌دان بودن، اهمیت تناسب میان تخصص و سمت و قانون‌مداری با گفتمان هم‌آورد خود (گفتمان مدیریت جهادی محمدباقر قالیباف) خصومت‌سازی می‌کند. روحانی با برجسته‌سازی رویکردهای اعتدال‌گرا و مصلحت‌اندیشانه خود، برقراری تناسب میان اهمیت اقتصاد، معیشت و پیش‌برد پرونده هسته‌ای ایران، تاکید هم‌سو بر منافع و امنیت ملی و تعامل با جهان با گفتمان هم‌آورد خود (گفتمان مقاومت سعید جلیلی) دگرسازی می‌کند و حوزه گفتمان‌گونگی آن را بی‌قرار می‌کند. همچنین، به‌رغم این مدعای روحانی که کاندیدای مستقل انتخابات است، تحلیل سازوکارهای زبانی و شیوه بازنمایی ایدئولوژی این گفتمان بیان‌گر صورت‌بندی گفتمانی ترکیبی است. ایدئولوژی سیاسی-اجتماعی روحانی در حد فاصل اندیشه چپ مدرن و راست عمل‌گرا صورت‌بندی می‌شود که گرایش اصلی وی به سوی راست عمل‌گرا و میانه‌رو است. در حقیقت ایدئولوژی اعتدال‌گرایی مبتنی بر گفتمان راست عمل‌گرای میانه‌رو (گفتمان سازندگی) است که با لحظه‌هایی از گفتمان چپ مدرن (گفتمان اصلاحات) غنی شده است.

در دوره دوم انتخابات ریاست جمهوری نیز همان ایدئولوژی با همان زنجیره هم‌ارزی و همان سبک و سیاق دگرسازی تداوم می‌یابد، با این تفاوت که در

ولایت‌مداری و عدالت اجتماعی با گفتمان نواصول‌گرای احمدی‌نژاد دگرسازی می‌کند. این دگرسازی به گرد کسانی است که نسبت به حل مسالمت‌آمیز موضوع هسته‌ای و از میان برداشته شدن تحریم‌ها رضایت ندارند. اولین مرز هویتی روحانی با تعریف خردمندان و امیدواران در «به نام خداوند خردمندان و امیدواران» در آغاز مستند، گروه «ما» را شکل می‌دهد. از سوی دیگر، گفتمان نواصول‌گرا به دلیل نداشتن مدیریت کارآمد و درست در مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... با دال تدبیر مورد دگرسازی قرار می‌گیرد.

دگرسازی‌های صورت‌گرفته در دوره نخست ریاست جمهوری روحانی هم با هم‌آوردان گفتمانی صورت می‌گیرد و هم با گفتمان پیشین، یعنی یعنی گفتمان نواصول‌گرا؛ اما، در دوره دوم دگر برجسته تنها گفتمان نواصول‌گرایی است که با دلالتی صریح به او اشاره می‌شود و کمتر به دگرسازی با هم‌آوردان انتخاباتی پرداخته می‌شود. دگرسازی‌های دیگری در این گفتمان وجود دارد که در قالب دلالت ضمنی و با نشانه‌های مختلف و با ارجاع به رویدادها و گفته‌های گوناگونی که دگرها در آن دخیل بوده‌اند، همانند مساله سفارت عربستان، گفته «تحریم نعمت است» یا «دور زدن تحریم‌ها» صورت می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

پژوهش پیش رو به بررسی چگونگی مفصل‌بندی هویت و بازنمایی خود و دیگری در انتخابات ریاست جمهوری سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶ توسط گفتمان هم‌آورد شده اعتدال‌گرایی پرداخت تا پاسخی زبان‌شناختی به یک رخداد سیاسی و اجتماعی دهد. همان‌گونه که در سامانه نشانگانی گفتمان روحانی دیده می‌شود، این گفتمان دال اعتدال‌گرایی را در کانون سامانه نشانگانی خویش قرار داده و ایدئولوژی خود را تعریف می‌کند. روحانی دال‌های حوزه گفتمان‌گونگی گفتمان نواصول‌گرای احمدی‌نژاد را مورد مصادره گفتمانی قرار می‌دهد و لحظه‌ها و دال‌های سامانه

ملی در کشور، حفظ منافع آن و تامین نیازهای جامعه پاسخ دهد. براین اساس، به نظر می‌آید دست‌کم در کوتاه و میان مدت، ایدئولوژی مبتنی بر راست میانه و اعتدال‌گرا، جدای از شخصی خاص، در فضای گفتمانی ایران هژمون خواهد شد. در این بستر فضا برای برآمدن دوباره جریان چپ مدرن و یا راست نواصول‌گرا اندکی محدود است.

مستندهای این دوره دگرسازی عمده‌ای با گفتمان‌های هم‌آورد صورت نمی‌گیرد بلکه هرگونه دگرسازی با گفتمان نواصول‌گرا صورت می‌گیرد و بر دستاوردهایی تاکید می‌شود که هرکدام‌شان با کارکردی دوسویه گفتمان خود را برجسته‌سازی مثبت می‌کند و دگر اصلی را به صورتی منفی و به عنوان گفتمانی تابع منافع فردی، به حاشیه می‌راند. از جنبه‌ای دیگر، عملکرد روحانی از هنگامه پیروزی تاکنون، در مقام ریاست جمهوری اسلامی ایران، تاکید او بر اصلاح اوضاع اقتصادی کشور، تعدیل قیمت‌ها، تکریم جامعه، بهبود روابط بین‌المللی با بسیاری از کشورهای جهان و مهم‌تر از آن پیش‌برد مسالمت‌آمیز پرونده هسته‌ای و دستیابی به توافقی مطلوب در این زمینه، بستر را برای پذیرش گفتمانی فراهم می‌کند که با کانون قراردادن دال‌های بین‌المللی‌گرایی و مصلحت‌اندیشی به برقراری امنیت ملی در کشور، حفظ منافع آن و تامین نیازهای جامعه پاسخ دهد. هدف از پرداختن به این موضوع میان‌رشته‌ای، بررسی این مساله است که زبان، مبادی واژگانی، صورت‌بندی‌های ساختاری و کلامی، تخصیص معانی خاص، منابع شناختی و... چه نمودی در مفصل‌بندی ایدئولوژی‌های خاص گفتمان‌ها و تعیین مرزهای هویتی میان آن‌ها دارد. دست‌یافتن به این شیوه بازنمایی نیاز به رویکردی ترکیبی دارد که هم سطح خرد زبان را واکاوی کند و هم با نگاهی به سطح کلان زبان، نوع بازتاب گفتمانی را تحلیل کند. بنابراین چارچوب نظری این پژوهش با این رویکرد تحلیلی در دو سطح سازوکارهای زبانی و گفتمانی تبیین شد.

نهایتاً، یافته‌ها بیانگر آن است که عملکرد روحانی از هنگامه پیروزی تاکنون، در مقام ریاست جمهوری اسلامی ایران، تاکید او بر اصلاح اوضاع اقتصادی کشور، تعدیل قیمت‌ها، تکریم جامعه، بهبود روابط بین‌المللی با بسیاری از کشورهای جهان و مهم‌تر از آن پیش‌برد مسالمت‌آمیز پرونده هسته‌ای و دستیابی به توافقی مطلوب در این زمینه، بستر را برای پذیرش گفتمانی فراهم می‌کند که با کانون قراردادن دال‌های بین‌المللی‌گرایی و مصلحت‌اندیشی به برقراری امنیت



شکل ۱ - سامانه نشانگانی گفتمان اعتدال گرایی



شکل ۲ - زنجیره هم‌ارزی گفتمان اعتدال گرایی

فهرست منابع

- Cullen Gruesser, Hanna Wallinger, Berlin: LIT Verlag Dr. W. Hopf.
- Brumberg, Daniel and Farideh Farhi (2016) *Power and Change in Iran: Politics of Contention and Conciliation*, Bloomington: Indiana University Press.
- Fairclough, Norman (2006) *Discourse and Social Change*, 1st published: 1992, Cambridge: Polity Press.
- Gramsci, Antonio (1971) *Selections from the Prison Notebooks*, London: Lawrence and Wishart.
- Jørgensen, Marianne and Louise Phillips (2002) *Discourse Analysis as Theory and Method*, London: SAGE Publications.
- Laclau, Ernesto (1990) *New Reflections on the Revolution in our Time*, London: Verso.
- Laclau, Ernesto, Mouffe, Chantal (2001) *Hegemony and Socialist Strategy*, 2nd Edition, New York and London: Verso.
- Mouffe, Chantal (1993) *the Return of the Political*, London and New York: Verso.
- Parkin, Michael (2014) *Talk Show Campaigns: Presidential Candidates on Daytime and Late Night Television*, New York: Routledge.
- Van Dijk, Teun Adrianus (1998). "Opinions and ideologies in the press", in *Approaches to Media Discourse*, edited by: Allan Bell and Peter Garrett, Oxford: Blackwell.
- Van Dijk, Teun Adrianus (2006) *Discourse as Social Interaction*, 1st published: 1997, London: SAGE Publications Inc.
- Zienkowski, Jan (2017) *Articulations of Self and Politics in Activist Discourse; A Discourse Analysis of Critical Subjectivities in Minority Debates*, Cham: Palgrave Macmillan.
- Zižek, Slavoj (2000) *The Ticklish Subject: The Absent Centre of Political Ontology*, London and New York: Verso.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴) *روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان*، تهران: فرهنگ گفتمان.
- حسن بشیر، حسن و سیدحمید طاهری (۱۳۹۴) «تحلیل گفتمان فیلم‌های تبلیغاتی نامزدهای دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸)»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۲، شماره ۱۳، صص: ۳۵-۶۳.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال‌الدین (۱۳۹۳) «گفتمان اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، سیاست خارجی، دوره ۲۸، ش ۱، صص ۱-۳۹.
- رضائی‌پناه، امیر و سمیه شوکتی مقرب (۱۳۹۳الف) «اندرکنش سبک زندگی و تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری در ایران (مطالعه موردی: تبلیغات نامزد پیروز انتخابات ۱۳۹۲)»، یازدهمین هم‌اندیشی حلقه نشانه‌شناسی تهران «نشانه‌شناسی سبک زندگی».
- رضائی‌پناه، امیر و سمیه شوکتی مقرب (۱۳۹۳ب) «رسانه‌های گروهی به‌مثابه ابزارهای انتقال گفتمان نژادپرستی (مطالعه موردی: اسرائیل)»، مجموعه مقالات سومین همایش ملی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی، تهران: نویسه، صص: ۱۸۵-۲۰۵.
- سجودی، فرزانه (۱۳۹۳) *نشانه‌شناسی کاربردی*، چ ۲، تهران: نشر قصه.
- فن‌دیک، تئون (۱۳۹۷) «تحلیل گفتمان انتقادی. در کتاب تحلیل گفتمان سیاسی (امر سیاسی به‌مثابه یک برساخت گفتمانی)»، ترجمه‌ی امیر رضائی‌پناه و سمیه شوکتی مقرب، چاپ دوم (چ ۱: ۱۳۹۵). تهران: تیسرا.
- Andersen, Niels Åkerstrøm (2003) *Discursive Analytical Strategies*, Bristol: The Policy Press.
- Barthes, Roland (1977) *Elements of Semiology*, Translated by Annette Lavers and Colin Smith, New York: Hill and Wang.
- Benjamin, Shanna Greene (2009) "A Trickster in Transition: Nineteenth-Century Representations of Aunt Nancy", in *Loopholes and Retreats: African American Writers and the Nineteenth Century*, Edited by: John